

پیام های شما و پاسخ های راه توده

چند پاسخی که خود

به مقاله سیاسی تبدیل شد!

رضاخان را با استالین مقایسه نکنید که سخت به اشتباه می روید. درباره تمام اسامی و صفات و مقولاتی که در جمهوری اسلامی دستمالی شده و از چشم مردم افتاده باید واقعیات را مکرر در مکرر نوشت. دیدگاه های راه توده و تفاوت آن با هر دیدگاه دیگری را در شماره های مختلف این نشریه که از ۱۳۷۱ انتشار دوره دوم آن شروع شده و ادامه دارد و در اعلام مواضع آن در مقاطع مختلف این ۱۵ سال جستجو کنید. ما اهل ناسزا و اتهام زنی به این و آن نیستیم. بحث نیز بحث سیاسی و نظری است. انفجار و انتحار و به کشتن دادن مردم و تقسیم جامعه به مذهبی و غیر مذهبی و از میان مذهبی ها نیز آن مذهبی هائی را کمک مالی کردن در خدمت سیاست حاکم در جمهوری اسلامی است، هر نامی داشته باشد، مبارزه با اشغالگران نام ندارد. یک بازی بزرگ با چند برگ در خاورمیانه و امریکای لاتین جریان دارد.

صفحه پیام ها و نامه های این شماره راه توده مفصل شد. آنقدر مفصل که بخش هائی از آن به مقالات سیاسی تبدیل شد که امیدواریم سردبیر راه توده فکر نکند می خواهیم یا توی کفش او و یا دیگر همکاران راه توده نظیر "ن. کیانی" و یا "خیرخواه" و دیگران کنیم! از طرف رفقا توصیه شده که در ابتدای صفحه به خوانندگان راه توده یادآوری کنیم که کمک مالی را فراموش نکنند. گویا کفگیر به ته دیگ خورده و من را جلو انداخته اند و من هم ریش گرو می گذارم. رفقا! دوستان! علاقمندان! کمک کنید دیگه! چند دفعه بنویسیم! این لطیفه را شنیده و خوانده اید؟:

در یکی از پروازهای داخلی، مسافر اطو کشیده ای به بهانه رفتن به دستشویی هواپیما وارد کابین خلبان شد و خیلی مودبانه به خلبان گفت: من هواپیما ربا هستم. لطفا هواپیما را بطرف پاریس هدایت کنید!

خلبان یک نگاهی به قد و قواره طرف انداخت و پرسید اسلحه ای، چاقویی چیزی داری؟ مسافر گفت: نه! خلبان گفت برو سرجات بشین بابا. مسافر خیلی برآشفته خطاب به خلبان گفت: حتما باید زور باشه؟

حالا حکایت ماست. حتما باید با زور آونمان بگیریم؟ خوب بدید دیگه! ضمنا گفته اند بنویسیم و اعلام کنیم "رستمی و دوستان پول روی هم گذاشته و ۲ هزار یورو کمک مالی کرده اند." دستشان درد نکند. این را می گویند همت جمعی. یاد بگیرید!

اما پیام ها و نامه های این شماره:

مهرداد احمدیان- دوستان گرامی

مدتهاست که به جهت دستیابی به اخبار مربوط به ایران و همچنین درک مرزبندی های بنیادین بر پایه جهانی و نظری، هر از چندی به سایت شما سری می زنم. هنوز به درستی مبانی اختلاف شما را با نظریات حزب توده ایران درک نمی کنم. آیا ممکن است در مورد این اختلافات (بدون ناسزا گویی!) اندکی توضیح دهید؟

از پیش سپاسگزارم

راه توده: دوست عزیز!

از آخر نامه شما شروع می کنیم. مثل از جزء به کل. کجا شما خوانده اید که راه توده در بحث هائی که گهگاه در ارتباط با مطالب منتشره در "نامه مردم" داشته ناسزا گفته باشد که این توصیه شما ضرورت داشته باشد؟ کلمات برای خود معنا و بار سیاسی دارند. همینطوری که نمی شود آنها را روی کاغذ آورد. ناسزا معنی دارد. بنابراین توصیه شما لازم نبود.

اما درباره برخی اختلاف دیدگاه ها میان راه توده و مندرجات نامه مردم. ما تصور می کنیم هرکس که بصورت پیگیر؛ در سالهای اخیر هر دو نشریه را خوانده باشد این تفاوت را - بویژه در ارتباط با انتخابات دوم خرداد، انتخابات مجلس ششم، دوران فعالیت مجلس ششم، انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری محمد خاتمی، سالهای قبل از انتخابات دوم خرداد و اعلام ضرورت شرکت در انتخابات مجلس پنجم از سوی راه توده و حتی در ارزیابی از دولت احمدی نژاد، انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم و بویژه مرحله دوم آن که آراء بر سر حمایت یا عدم حمایت از هاشمی رفسنجانی در برابر احمدی نژاد متفرق شد، در باره سپاه پاسداران و توجه به یکپارچه نبودن آن و پرهیز از خط قرمز کشیدن روی مجموعه این نیروی نظامی- و... متوجه شده است. عرصه دیگر، باز می گردد به شیوه تبلیغی دو نشریه در باره گذشته حزب توده ایران و رفتگان و ماندگان، که در این زمینه نیز کافی است راه توده را ورق بزنید تا متوجه مشی و سیاست ما در این عرصه بشوید. ما معتقدیم "دفتر" را باید دوباره از اول و در برابر دیدگان نسل جدید ورق زد، ما معتقدیم با همه نیروئی که داریم باید به عرصه فعالیت نسل نوین چپ ایران در داخل کشور ورود کرد، به سؤالات آنها پاسخ داد، گذشته را برای آنها گفت، واقعیات سیاست گذشته حزب توده ایران در برابر انقلاب ۵۷ و جمهوری اسلامی را برای آنها روشن ساخت. از سیاست حذف بخشی از حزب و رهبران آن حتما باید پرهیز کرد، ارتباط را با داخل کشور تقویت کرد، این و آن را متهم به همکاری با عوامل و سازمان های اطلاعاتی جمهوری اسلامی نکرد و زیر این پوشش واقعیات را انکار کرد، و دهها و دهها نمونه دیگر در همین عرصه. آیا هنوز کافی نیست تا بدانید راه توده چه می گوید؟ به بخش اطلاعیه های راه توده که در مقاطع مختلف انتشار یافته و روی صفحه اول سایت قابل دسترسی است مراجعه کنید، به تلاش ما برای معرفی رهبران حزب، به معرفی ارگان های مطبوعاتی حزب، به تلاش برای ایجاد کارزار جهت بیرون آوردن انگشت شمار بازماندگان توده ای در زندان و... نگاهی بیاندازید. نه تنها بهره خواهید گرفت، بلکه تفاوت ها را هم متوجه خواهید شد.

امیدواریم پاسخ خود را در حدی که برای ما مقدور بود و نوشتیم دریافت کرده باشید. موفق باشید.

سازمان ارمین- آگه میشه آثار مهم احسان طبری رو تو سایتتون بزارین. چون امکان دسترسی به آثار دکتر برای اکثر ماها فراهم نیست. البته یکی از کتاب ها مقداریش رو گذاشتید اما کامل نیست امیدوارم هر چه زودتر برای پر محتوا کردن سایتتون آثار ایشان رو تو سایت قرار بدین.

با تشکر

راه توده: دوست گرامی! قبل از هر چیز به شما و دیگران توصیه می کنیم افعال را کامل صرف کنید. این نثر دم بریده ای که روی وبلاگ ها رسم شده کمر فارسی را خواهد شکست و در دراز مدت حتی خواندن اشعار کهن و حتی شعر شکسته و نیمائی را نیز دشوار خواهد کرد. ما "رو" به معنای "را" نداریم. رو یعنی برو. بجای همیشه همان "میشود" را صرف کنید. "تو سایت"، می شود "در سایت". تو یعنی شما و گاهی و گاه در جملات "داخل" هم می تواند معنی بدهد.

خطاب ما در این زمینه تنها شما نیستید. شما بهانه ای شدید تا درباره بیماری آبله مرغان فارسی در جمهوری اسلامی این توضیحات را بدهیم.

اما درباره آثار زنده یاد احسان طبری. شما به بخش دوم صفحه اول راه توده اگر مراجعه کنید، در آنجا بسیاری از آثار ایشان را می یابید. حتی اخیر انتشار کتاب بسیار کمیاب "چهره خانه" ایشان را هم شروع کرده ایم. بخش دوم "جنبش های اجتماعی..." را نیز آماده انتشار کرده ایم که پس از "چهره خانه" آن را نیز منتشر خواهیم کرد. کار تایپ دوباره، ویراستاری

مجدد و حذف بخش های افزوده شده و بازگرداندن بخش های حذف شده به آثار حزبی که بر حسب ضرورت سیاست روز در سالهای اول جمهوری اسلامی صورت گرفته و غلط گیری و ویراستاری مجدد این آثار خود به یکی از کارهای دشوار همکاران راه توده تبدیل شده است. ما نمی دانیم که دوستان و خوانندگان این مطالب که مرتب هم از ما این و یا آن کتاب را می خواهند و یا دنبال فلان قسمت می گردند و راهنمایی می خواهند، به این نکات هم فکر می کنند که این مجموعه کار که در راه توده انعکاس می یابد، علاوه بر وقت و انرژی که می برد، هزینه ای هم در بر دارد و بهتر است همت کرده و هرچند گاه یکبار هم شده، حداقل برای ادامه بهره برداری از سایت راه توده ما را کمک مالی کنند؟

امیدواریم این طلب یاری علاوه بر شما از سوی دیگر خوانندگان راه توده نیز اجابت شود تا کمر ما زیر بار مالی و حجم تلاش هائی که می کنیم خم نشود. موفق باشید.

G.M و یا **diak1960** - نام هائی که با آن از ایران آدرس ای میل برای ما فرستاده شده است. برای دسترسی شما به راه توده اقدام شد. لطفا در صورت دریافت ما را مطلع کنید.

همچنین دوستان عزیز **mehdi** و **mm** نامه ها و پیام های شما نیز برای دریافت راه توده بدست ما رسید و اقدام شد.

فضل الرحیم همت (مدیر مسوول سایت «اصالت»)-

رفقای عزیز، عرض سلام و ادب خدمت شما

امیدواریم که از صحت و سلامتی کامل برخوردار باشید. مراتب سلام های گرم و رفیقانه همکاران سایت «اصالت» را نیز خدمت شما تقدیم می دارم.

خواهش صمیمانه و رفیقانه که از شما داریم، اگر ممکن باشد لطف نموده آدرس اینترنتی سایت «اصالت» را که ناشر اندیشه های دموکراتیک مردم افغانستان می باشد و بمناسبت دهمین سالگرد وفات رفیق ببرک کارمل به ایشان اهدا گردیده است، در بخش لینک های سایت وزین «راه توده» قرار دهید، قبلاً و قلباً ممنون شما می باشیم.

قابل یادآوری است که از زمان فعالیت نشراتی «اصالت» آدرس اینترنتی «راه توده» در قسمت لینک های سایت جا به جا می باشد که برای ما و بازدید کننده گان «اصالت» جای خوشی و افتخار می باشد.

راه توده: با سلام های گرم متقابل. همانگونه که مشاهده کرده اید، پیش از آنکه ما در صفحه پیام ها خواست و نامه شما را منعکس کنیم، دوستان و همکاران زحمت کشیده و لینک "اصالت" را در صفحه لینک های راه توده درج کرده اند. کار با ارزشی را ارائه داده اید، بویژه که از خط و خط کشی ها فاصله گرفته اید و از همه قربانیان خیانت به انقلاب دموکراتیک افغانستان تجلیل کرده اید. رفقا کارمل و نجیب الله سرمایه های جنبش انقلابی میهن شما بودند و ما بسیار خوشحالیم که شما از این هر دو قربانی در کنار هم یاد کرده اید.

دو توصیه به شما می کنیم که امیدواریم مفید افتد. نخست آنکه صفحه اول رنگ های تیره دارد و خواندن عناوین با خط سرمه ای روی متن سیاه صفحه اول بسیار دشوار و چشم آزار است. این دو رنگ نمی توانند با هم باشند. در درجه اول سعی کنید زیر زمینه صفحه اول هیچ رنگی نداشته باشد و عناوین را به هر رنگی که مایل هستید بنویسید. دومین نکته مربوط به فیلمی است که از مراسم خاکسپاری زنده یاد ببرک کارمل در سایت خود گذاشته اید. حجم این فیلم بسیار زیاد است و دانلد آن برای هر بیننده ای مقدور نیست. بنابراین سعی کنید آن حجم آن را کم کنید و حتی آن را به چند قسمت تقسیم کنید و با شماره های مثلا ۱ تا ۵ منتشر کنید. حتی براساس سخنرانی ها می شود این فیلم را تقسیم کرد. نکته آخر اینکه با توجه به دشواری مطالعه روی صفحه کامپیوتر و هزینه چاپ از اینترنت که برای هر بیننده ای ممکن نیست، توصیه می کنیم تا حد ممکن مطالب را خلاصه کنید و به نویسندگان نیز این نکته را

یاد آور شوید. حتی می توان حجم و تعداد صفحات را برای نویسندگان مشخص کرد. مثلا هر نوشته حداکثر دو صفحه A ۴. تا می توانید اخبار کشورتان را منتشر کنید، این شیوه دهها برابر بیش از بحث های بی پایان پس از هر شکست در تمام جنبش ها کاربرد دارد و ببینده را به سوی سایت شما جلب می کند.

یکبار دیگر موفقیت شما را آرزومندیم

منیزه روزبه- با درود

نظرتان در باره گروههای مقاومت عراق چیست. آیا در مبارزه علیه امریکا درست است که از حماس و حزب الله لبنان حمایت کنیم؟ لطفا توضیحات بیشتری بدهید .

با سپاس فراوان

راه توده: سرکار خانم روزبه درود به روی ماهتان. واقعیت اینست که در این سالها مرزهایی که شما به آن اشاره کرده اید چنان مغشوش است که بیان واقعیت را هم دشوار کرده است. واقعیت اینست که در جمهوری اسلامی، ارتجاع مذهبی و طرفداران خصوصی سازی و لیبرالیسم اقتصادی که درحاکمیت قرار دارند چنان با مفاهیم و اسامی و مقولات زیرکانه بازی کرده اند که در میان مردم، این اسامی و مقولات که در گذشته برای خود معنای انقلابی داشتند امروز که مردم از نگاه حاکمیت به آن نگاه می کنند و از دهان آنها می شنوند، بار آنها کاسته شده و مردم از خود واکنش منفی نشان میدهند. نبود آزادی بیان در ایران - بویژه جای خالی حزب توده ایران و مطبوعات آن در کشور- بازشناسی سره از ناسره را در کشور ما بسیار دشوار کرده است. مثلا سمپاتی تاریخی ایرانی ها نسبت به جنبش استقلال طلبی فلسطین و یا جبهه گیری مردم در کنار اعراب برای ستاندن حقشان از اسرائیل و امریکا امروز و بر اثر عملکرد حاکمیت جمهوری اسلامی، آن بار انقلابی و همبستگی ایرانی ها با اعراب را ندارد. نبود مطبوعات مترقی در کشور اجازه نمی دهد گفته شود و مردم بدانند که جمهوری اسلامی با ادامه همان سیاست انحصار طلبی و خودی و غیر خودی در داخل کشور که فاجعه به بار آورده است، در فلسطین نیز باعث تفرقه در درون این جنبش شده و آن را ابتدا تقسیم به مذهبی و غیر مذهبی و سپس از میان مذهبی هم یک خودی دیگر بیرون آورده و اکنون شده "حماس" در برابر جبهه آزادیبخش فلسطین که در آن مسلمانان هم حضور دارند. ما این را خدمت نمی دانیم بلکه به کمک دلارهای نفتی ایجاد تفرقه در جنبش فلسطین می دانیم و به محض اینکه این کمک مالی به هر دلیل قطع شود، باد نیز از پرچم حماس خواهد افتاد و آنچه بصورت تاریخی برای فلسطینی ها باقی می ماند یک اختلاف عمیق و حتی دشمنی با زیربنای مذهبی و وابستگی به خارج- جمهوری اسلامی- است. از سوی دیگر قطعاً باید توجه کنید که اکنون یک بازی چند جانبه در سراسر جهان و در منطقه خاورمیانه جریان دارد که صرفاً بازی سیاسی است. یعنی جمهوری اسلامی با برگ فلسطین و همچنین درعراق با برگ جیش المهدی و مقتدا صدر بازی می کند و بموجب استراتژی "جنگ با دشمن در خانه بیگانه" به خیال خود با امریکا در عراق و فلسطین و لبنان می جنگد و اجازه حمله به ایران را به آن نمی دهد. آن روز که مصالحه ممکن شود و معامله و زدوبند با امریکا سر بگیرد و علنی شود، آنوقت این برگ ها سوخته اند و آنچه باقی مانده تفرقه و ناامیدی و دهها عارضه دیگر بر پیکر جنبش استقلال طلبی منطقه است. ما این بازی را در تاریخ بارها شاهدیم. نه در تاریخ دور، بلکه در همین تاریخ معاصر ایران. مثلا با جنبش کردها در کردستان عراق و یا کردستان ایران و حتی کردستان ترکیه. دولت ها بر حسب موقعیت سیاسی که داشته اند از برگ کردها در کشور یکدیگر استفاده کردند. قربانیان

بزرگی مانند "ملا مصطفی بارزانی" که شاه با برگ او توانست با صدام حسین بازی کند، یک نمونه است.

در مورد عراق و حوادث کنونی آن نیز نظر ما همین است. یعنی مردم عراق حق دارند با اشغالگران امریکائی - انگلیسی مقابله کرده و علیه حضور نظامی آنها در کشورشان مبارزه کنند، اما این مبارزه با آنچه که اکنون در عراق جریان دارد و روزانه باعث قتل دهها عراقی بی گناه می شود- شمار آنها با کشته های امریکائی قابل مقایسه نیست- بیگانه است. آنچه که اکنون در عراق جریان دارد و بنظر ما نیز علیرغم تکذیب ها و انکارهای جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران مستقیم و غیر مستقیم در آن دست دارد عملا باعث توجیه حضور نظامی امریکا در عراق و منطقه شده و از آن بدتر، زمینه یک جنگ مذهبی بین اعراب و ایران را موجب شده است. حتی کاربرد حرف های تبلیغاتی احمدی نژاد علیه امریکا و اسرائیل که در ابتدا در میان اعراب منطقه زمینه ای مثبت یافته بود و رهبران جمهوری اسلامی نیز با خوشحالی از آن یاد می کردند، اکنون کاربرد خود را از دست داده و آن "ماشاء ماشاء الله" ها و "مرحبا، مرحبا" گفتن های اولیه بتدریج جای خود را به تمسخر وی داده است. در این عرصه نیز پایان رقص تبلیغاتی جمهوری اسلامی روی دلارهای نفتی جای خود را می تواند به نفعی عملی در یک جنگ مذهبی بدهد. مبارزه با اشغالگری و اشغالگران خاص مردم کشور اشغال شده است و پایه های آن از یک مبارزه بسیار سازمان یافته و تشکیل یک جبهه متحد ملی - نه مذهبی و غیر مذهبی- با حضور همه احزاب عراق علیه اشغال کشورشان آغاز می شود. عراق باید افکار عمومی جهان را علیه اشغالگران بسیج کند، آیا کارهایی که بصورت انفجارهای کور و عملیات انتحاری انجام می شود چنین زمینه ای را فراهم می کند؟ حتی امروز درخواست خروج امریکا از عراق برای جلوگیری از تلفات نفرات آن بیان می شود نه در محکومیت اشغال یک کشور. یعنی کسی انفجارها و کشتارها را تائید نمی کند. نه تنها تائید نمی کند، بلکه با نفرت از آن یاد می کند و اتفاقا همین نفرت را امریکا به سمت ایران کیش کرده است. ما کشته شدن مردم کوچه و بازار را مبارزه با اشغالگری نمی دانیم. مگر در ویتنام مبارزه با اشغالگران چنین بود؟ در هندوستان استقلال اینگونه بدست آمد؟ وقتی با این توجیه مذهبی "کسی که کشته می شود اگر بی گناه باشد می رود به بهشت و اگر گناه کار باشد به سزای اعمالش رسیده" گروه های انتحاری را برای انفجار در بازار و خیابان در عراق به صحنه می فرستند، چطور ما می توانیم نام آن را مبارزه آگاهانه با امریکا بدانیم. مبارزه با اشغالگران نیازمند یک آگاهی و وحدت ملی است. آیا این انفجارها و عملیات آگاهی عمومی را در عراق بالا می برد؟ وحدت ملی را تقویت می کند؟ بازی با احساسات مذهبی مردم و ترور و انفجار نامش مبارزه نیست، هرچند بنام مبارزه با اشغالگران امریکائی مرتکب آن شوند. ترویج خرافات مذهبی در هیچ کجای دنیا نامش مبارزه انقلابی و استقلال طلبی نیست.

ما چه کنیم؟ اگر با نگاه بالا به رویدادهای منطقه نگاه کنیم، تکلیف روشن است و پاسخ شما نیز داده شده است. ما از وحدت ملی عراق، از خاتمه یافتن کشتار مردم بی گناه، پایان اشغال امریکا، کشاندن امریکا به پای میز محاکمه در سازمان ملل و شورای امنیت آن و اعلام خواست جهانی برای بیرون رفتن امریکا از عراق و منطقه، تشکیل دولت واقعا وحدت ملی در عراق، اتخاذ تدبیری در عراق که فاجعه سازی های جمهوری اسلامی علیه نیروهای مترقی ایران، در عراق تکرار نشود و عراق تبدیل به مدلی نظیر آنچه بنام جمهوری اسلامی اکنون در برابر ما قرار دارد و سرپای جامعه را غرق در همه نوع بحران کرده نشود. زنده باد جبهه مترقی و متحد عراق علیه اشغالگران، نه زنده باد کشتار مردم و برپائی جمهوری خون و اعدام و غارت و بحران در عراق. اینست نظر ما.

موفق باشید

راه توده: دوست گرامی آقای "**شهریار کوزه کنانی**" سیاسپگزاریم که به درخواست ما در صفحه پیام های راه توده شماره گذشته عنایت کرده و متن مقاله مورد نظر خود را در سه لینک برای ما ارسال داشته اید. این مقاله را یکجا کرده و بر خلاف شرط قدیمی خود مبنی بر "مطالبی را که قبلا در سایت های دیگری منتشر شده باشد منتشر نمی کنیم"، هم بخاطر گل روی شما و بخاطر زحمتی که کشیده و مقاله ای مستدل و مستند با نام "روزبه افضلی" را فرستاده اید منتشر می کنیم. در این زمینه توصیه می کنیم که مقاله زنده یاد ایرج اسکندری دبیر اول وقت حزب توده ایران را در دنیای شماره ۱- ۲ - سال ۱۳۵۲ که در شرح پایه های سیاسی- تئوریک طرح برنامه جدید حزب توده ایران در سال ۱۳۵۲ با عنوان "طرح برنامه نوین و پایه های علمی خط مشی حزب توده ایران" را نیز نه تنها همه جانبه تر بخوانید، بلکه در صورت داشتن وقت، فصولی از آن را در مقالات و نوشته های خود بیشتر باز کرده و شرح دهید. این یکی از دقیق ترین و بقول زنده یاد کیانوری "از "مینیاتور" کاری های حزب توده ایران است و بعنوان یک مقاله بالینی بارها و بارها باید خواند."

موفق و موید باشید

خان داداش- مقاله از زیوگانف در مورد استالین سبک و سیاق دفاع از رضا شاه توسط طرفدارانش در ایران است. در ایران نیز اگر رای بگیرند درصد بالایی به رضا شاه رای خواهند داد زیرا او را پایه گذار نظم دانشگاه و سازمان های جدید نظیر عدلیه و نظمیه و غیره می دانند.

صفتی که برای استالین بر شمرده شده نیز به رضا شاه می خورد. پرتلاش، استعداد توسل به خشونت و ... راستی ارثیه عظیم تئوریک استالین چیست که کسی خبرنگار دارد؟ به نظر من این مقاله از موضع یک ناسیونالیست منتهی به زبان یک انترناسیونالیست بسیار سطحی نوشته شده است. حیف است که صفحات محدود راه توده توسط این مقالات اشغال شود.

صحبت بر سر این است که ایشان چه خدماتی به سوسیالیسم کرده است نه این که چه رهبر قوی ای بود. آیا سوسیالیسم بدون مردم امکان پذیر است.

راه توده: نوشته شما را عینا منتشر کردیم که یکوقت خیال نکنند ما کسی را سانسور می کنیم و از لولوی پلورالیسم می ترسیم.

دوست گرامی! ما فکر نمی کنیم "زوگانف" آدمی سطحی و یا انترناسیونالیستی سطحی باشد، اجازه بدهید نظرات رهبران حزب کمونیست فدراتیو روسیه نیز در کنار تحریف و تحریک شبانه روز دوران استالین که پس از جنگ سرد نیز ادامه دارد منتشر شود. بویژه آن که خود این رفقا - از جمله در کتاب جدید لیگاکچف که ترجمه آن را راه توده منتشر کرد- در انتقاد از بخشی از دوران رهبری استالین در عرصه سیاسی پروا نمی کنند. آنچه که دشمن اجازه بازگوئی آن را نمی دهد، اجازه بدهید دوست بگویند. شما یک مورد- فقط یک مورد- به یاد دارید و یا شنیده و خوانده اید که در مطبوعات غرب از خدمات استالین هم گفته باشند و یا بگویند؟ بالاخره در دوران او زمینه پرواز اولین انسان به فضا فراهم آمد. با بال کلاغ که به به کره ماه نرفت. بالاخره یک تکنولوژی پشته‌پوشی آن بود. این پشته‌پوشی جز در دوران استالین پایه ریزی شد؟ فکر نمی کنید در مقایسه بین رضاخان و استالین به خطا رفته اید؟ حداقل این دومی در برابر ارتش هولناک فاشیسم و هیتلر ایستاد و به حق شوروی را فاتح جنگ علیه فاشیسم کرد و بشریت را از سلطه فاشیسم نجات داد. آن یکی پس از آنکه نیمه شب از جنوب دو توپ دریائی انگلستان خالی کرد و در تهران سفیر انگلستان گفت بفرمائید بیرون، سوار اتومبیلش شد و در رفت به اصفها و از آنجا هم از ایران رفت و افسران و ژنرال هایش در سوراخ موش پنهان شدند. انصاف هم چیز خوبی است. حداقل در همان حد که ما هم می نویسیم در دوران پهلوی اول - بویژه در دوران اولیه سلطنت رضاشاه و پیش از آنکه هواهای هیتلری به سرش بزند و قتل و اختناق داخلی را به فاشیسم جهانی بخواهد پیوند بزند-

کارهای مثبتی نیز انجام شد، گرچه بدون زیر ساخت های ضروری اجتماعی ممکن نبود. درست مثل اوضاع امروز ایران که عسلویه را ساخته اند، هواپیما هم می سازند، اما نه با یک زیر بنای اجتماعی و ماندگار. با زور و اختناق هم می توان ایده هائی را - حتی با حسن نیت- به تحقق پیوند زد، اما چنانچه زیر ساخت های اجتماعی و ضروری وجود نداشته باشد و علیه آن عمل شده باشد، ساخته ها به آسانی فرو می ریزد. مثل همین ماجرای حجاب در زمان رضاشاه و اکنون در جمهوری اسلامی. در اولی حجاب بازگشت و در دومی حتی در حیات جمهوری اسلامی بی حجابی و کم حجابی بلای جان روحانیت شده است. این فقط یک نمونه است. توصیه می کنیم کتاب ایران در زمان رضا شاه، اثر زنده یاد طبری را یکبار هم شده بخوانید تا عمیق تر بدانید و بدانیم تحولات در زمان رضا شاه چرا ضروری بود و آنچه که ضرورت تاریخ بود چقدرش تحت رهبری رضاشاه عملی شد و گریزی از این حداقل و زیر فشار جامعه بود؟
موفق باشید

کوروش- درود!

چند سوال داشتم:

چطور باید به شما اعتماد کنیم؟

و چطور مطمئن بشیم که شما از ماموران رژیم نیستید؟

و چگونه از صحت مطالب اطمینان داشته باشیم؟

تا سوالات دیگر بدرود

راه توده: آقای کورش عزیز، همان اندازه به ما اطمینان داشته باشید که ما به شما اطمینان داریم و یا خواهیم داشت. هر جاده ای دو طرفه است. اما، مگر چه می خواهید بکنید که نگران اعتماد هستید؟ ما نه اهل بمب هستیم، نه اهل تفنگ، نه اهل انفجار و انتحار. بنابراین اعتماد به ما، اعتماد به منطق و استدلال ما و تطبیق آن با شرایط ایران و بازیافت درستی و نادرستی آنست. همین. اگر هم خبر و مطلبی برای ارسال دارید، نه لازم است آن را با مشخصات خودتان ارسال دارید و نه ما نیازی بدان داریم.

اگر نظراتی که ما منتشر می کنیم، نظراتی است که یک مامور رژیم می تواند و وظیفه دارد منتشر کند، زنده باد آن مامور و آن رژیمی که چنین می اندیشد. از "من کی هستم - تو کی هستی" هیچوقت چیزی در نیامده و در نمی آید. پرواز را بخاطر بسپارید، پرنده رفتنی است. بخوانید و نگاه کنید به آنچه می نویسیم. برای این خواندن و دانستن چه نیازی به اعتماد دارید؟ اعتماد کنید به نظرات ما نه به افراد.

چه مطلبی نوشته ایم که شما صحت آن را از ما می خواهید؟ تحلیل و تفسیر و نظر که صحت در خودش یا هست و یا نیست. آن چه که باید صحت آن را محک زد همیشه "خبر" است. مسئولیت ما برای انتشار نامه شما با همان مضمونی که نوشته اید و در بالا آوردیم و پاسخ به آنها را با خواست موفقیت برای شما پایان یافت.

مزدا هرمز- سلام . بابت دریافت راه توده سپاسگزارم. ضمنا فهرست ماتریالیسم تاریخی نوشته زنده یاد نیک آیین در سایت به هم ریخته است و به قبل از فصل هفتم (درس ۷۲) دسترسی مقدور نیست. لطفا اصلاح فرمایید. خسته نباشید. متشکرم.

راه توده: خرسندیم که دریافت راه توده را اطلاع دادید. ما از مسئولین فنی راه توده سؤال کردیم، آنها می گویند اشکالی که شما به آن اشاره کردید احتمالا در برنامه موزیلا باید باشد نه "اکسپلورر". با اینحال، قرار شد دوباره کنترل کنند تا اگر اشکالی هست برطرف کنند. لطفا دوباره کنترل کنید و اگر باز هم ایراد بر جای خود باقی بود به ما اطلاع دهید.

مهدی از کرج- با درود

از ارسال راه توده بسیار سپاسگزارم. کار مرا خیلی راحت کرد ولی در میان پاسخ های شما که گشتم پاسخ مرا در مورد علت نداشتن کانال ماهواره‌ای یا حد اقل خرید ساعت برنامه در کانالهای دیگر یا شرکت در مناظره ها و برنامه های مختلف زنده حتی به صورت ناشناس ندیدم. لطفا پاسخ دهید.

راه توده: آقا مهدی عزیز از شهری که امیدواریم هنوز هوایش - حداقل شب ها- در تابستان خنک باشد، تا آنجا که به یاد داریم یکبار پیام شما را پاسخ دادیم. با اینحال دوباره می نویسیم: "خانه نشینی بی بی، از بی چادری است". برادر عزیزم، این رسانه های تصویری که همگی هم از امریکا پخش می شوند و بویژه سیمای صدای امریکا که ببیننده زیادی هم در ایران دارد، جن اند و توده ایها بسم الله. سایه ما را با خمپاره می زنند. حتی وقتی کاری هم به کارشان نداریم و راه خود را می رویم، مسیرمان را مین گذاری می کنند. متأسفانه پس از ضربات وارد آمده به کشورهای جبهه سوسیالیسم در بخش شرقی اروپا و سقوط دولت دمکراتیک در افغانستان، ما دیگر امکان رادیویی نداشته و نداریم. تلویزیون نیز به همین ترتیب. تصور نمی کنیم رادیو اینترنتی هم با توجه به فلج شدن اینترنت در ایران، کاربردی برای درون کشور داشته باشد، روی تبلیغات در خارج از کشور هم ما زیاد حساب نمی کنیم. پول و پله ای برای کرایه کردن ماهواره هم نداریم. تامین هزینه همین سایت هم خودش تا حالا شق القمر بوده است. یک رادیویی در امریکا بنام "صدای ایران" یا "رادیو ایران" چند سالی گهگاه با سردبیر راه توده مصاحبه می کرد که برنامه ساز آن رادیو هم بنام "مانوک خدابخشیان" زیر فشار برای قطع این مصاحبه ها و یا دیگر اختلافاتی که ما از آن اطلاع دقیق نداریم از آن رادیو رفت و این امکان هم از بین رفت. بجای ما، شما با آن تلویزیون ها و رادیوها از داخل کشور تماس گرفته و بخواهید که نظرات ما را هم منعکس کنند. ما که نمی توانیم تماس بگیریم و بگوئیم آقایان! ما هم حرف برای گفتن داریم و مخاطب داخل کشور هم داریم، به ما هم وقت بدهید! فوراً می گویند پول خودمان است، رادیو و تلویزیون خودمان است و از شماها هم خوشمان نمی آید و نمی خواهیم سر به تفتان باشد. مرگ بر جمهوری اسلامی و توده ای هر دو با هم!

امیدوارم این بار پاسخ به پیام خود را بخوانید که دیگر جای گله باقی نماند. زمین گیر شود و هر دو دستش بشکند آنکه فیلترینگ را گذاشت روی دست مردم ایران!

م. هموند- با سلام!

البته امیدوارم از نامه های پی در پی من خسته نشده باشین و سرحال و آماده رزم با هر دشمن ضد بشریتی.

از جواب شما متشکرم

چند درخواست دارم

- ۱ - صوت های بیشتری از سیاوش کسرای بر روی سایت بگذارید.
- ۲ - جایی برای انتقاد از خود و گوشزد اشتباهات حزب در نظر بگیرید، تا طرفداران و دوستان داخل کشور هم نظرات خود را بدهند.
- ۳ - صوت زنده یاد طبری با تار محمدرضا لطفی را هم بر روی سایت بگذارید.

من همچنان به راه توده می روم

باز هم متشکرم

راه توده: دوست عزیز ما ۱۵ سال است که خسته نشده ایم. از مهرماه ۱۳۷۱ که دوره جدید راه توده را منتشر کردیم و تا این لحظه که در خدمتیم بی وقفه به انتشار آن ادامه داده ایم. بنابراین نگران نباشید. صبر و حوصله ما زیاد است، ضمن اینکه هر اندازه امثال شما نامه بنویسند ما را به صبر بیشتر هم تشویق می کنند.

روی بخش دوم صفحه اول راه توده شما می توانید اشعاری از سیاوش کسرایی و احساس طبری را گوش کنید. اما به روی چشم. شعرهای بیشتری را با صدای این دو روی سایت خواهیم گذاشت.

شما هر نظر و نقدی در باره حزب توده ایران دارید لطفا بنویسید و بفرستید. به آن شرط که منصفانه باشد نیازمند جای ویژه نیست. همه راه توده و حتی همین صفحه پیام ها و نامه ها در اختیار شما و امثال شماست. بفرمائید. این گوی و این میدان. منتظر دریافت نامه ها و مقالات شما و دوستانتان هستیم.

کوروش - اگر برایتان امکان دارد می توانید بخش های ۱ تا ۵ و ۸ تا ۱۰ و همچنین ۱۲ و ۱۴ از کتاب بازی شیطانی را برایم بفرستید.

راه توده: دوست گرامی. اولاً مشخص نفرموده اید که از کجا تماس می گیرید. دوم، مگر این بخش ها را نمی توانید روی سایت راه توده بخوانید و یا چاپ کنید؟ اگر این کار برای شما با کمی صرف وقت مقدور است. بویژه اگر از خارج کشور تماس میگیرد. فکر نمی کنید در وقت خود صرفه جوئی کرده و از وقت ما استفاده می کنید؟ کتاب را ترجمه، تایپ، ویراستاری، عنوان بندی و منتشر کنیم، بدون هیچ هزینه ای به آن دسترسی داشته باشید و بخوانید و تازه چند بخش آن را هم ای میل کنیم؟ واقعا انصاف است؟

سهیل مزدکی - باسلام و خسته نباشید خدمت رفقای راه توده
خواهشمنداست جهت روشن شدن افکار عمومی در مورد خدمات رفیق استالین به زحمتکشان اتحاد شوروی و سایر نقاط جهان مطالب بیشتری در مورد خدمات ایشان و افشاگری در مورد جنایت های دروغین متناسب به ایشان در سایت قرار دهید.

راه توده: ما این کار را کرده ایم و در آینده نیز خواهیم کرد. البته نظراتی خلاف نظر شما نیز به ما منعکس شده که در همین صفحه پیام ها به آن نامه ها و پیام ها نیز اشاره کرده و حتی متن آنها را منتشر کرده ایم. ما میان دو سنگ آسیاب، کار مستقل خود را پیش می بریم و دیدگاه های متضاد را هم منتشر می کنیم. بالاخره این تمرین را همه ما از یک جایی باید شروع می کردیم.

راه توده: دوست گرامی "**آمادور نویدی**" نامه انگلیسی شما رسید. چشم اقدام می کنیم، اما با دو شرط. یک اینکه از ایران تماس گرفته باشید و نه از خارج کشور و دوم اینکه دیگر برای ما نامه فارسی بنویسید نه انگلیسی. ما یک نشریه فارسی زبان هستیم و فکر می کنیم مکاتبه و تماس با آن نیز باید به فارسی شیرین خودمان باشد.

احسان - دوستان عزیز راه توده
در شماره این هفته، دو مطلب به چشم می خورد که حداقل برای من، با شناختی که از مشی نشریه شما دارم، نا سازگار و سؤال برانگیز بود.

اولین مطلب مربوط به نوشته ای بود از امیرعلی لاهرودی تحت عنوان «تردید نکنید، شب آبیستن است تا چه زاید سحر- روس ها از مرز پانصد سالگی نیز با غرور ملی خواهند گذشت»

نگاهی به محتوای مقاله، از ابتدا تا انتها، در توصیف روس ها به عنوان یکی از ملت های نژاد اسلاو است که کالکتویسم، نبوغ! و سادگی! و غرور، پیروی بی چون وچرا از رهبر (چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه)، معجزه آفرینی در صنعت و هر چیز دیگر، ذاتی آن هاست و در برابر غرب کاتولیک قد علم کرده اند و بالاخره هم خود را حتی بعنوان یک

کشور کاپیتالیستی مقتدر به رخ جهانیان خواهند کشید. اگر بخواهم به بند بند مقاله اشاره کنم، مسلماً چند صفحه باید بنویسم.

سؤال من اینست که اگر کسی چنین مقاله شوونیستی را نه در توصیف روس ها، بلکه در وصف ایرانی ها بنویسد، آیا شما حاضر به چاپ آن در نشریه تان هستید؟ آیا شما نقد لنین، بنیانگذار انقلاب اکتبر را در مذمت شوینیسم روسی (غرور ولیکاروس ها) از یاد برده اید؟

آیا تهمت های ارتجاع و امپریالیسم را که طی سال های گذشته پیوسته، میهن دوست ترین فرزندان کشورمان را که در حزب توده ایران گرد آمده بودند، به روس پرستی متهم می کردند از خاطر برده اید، که حال برای آن ها شاهد از غیب می رسانید؟

آیا فکر نمی کنید که درج این همه مطلب در هر هفته در مورد فقط و فقط روسیه، و نه در مورد سایر کشورهای سوسیالیستی سابق، نظیر چک، آلمان دموکراتیک، لهستان و به تبلیغات دشمنان حزب در مورد روس پرستی توده ای ها کمک می کند و به سوء تفاهم نیروهای ملی و ملی مذهبی و جوانان نسبت به توده ای ها دامن می زند؟

حتماً بخوبی می دانید که رفع این اتهام سیا ساخته و ساواک پرداخته تا کنون چقدر انرژی و توان از حزب ما و رهبران میهن دوست ما گرفته و در آینده هم خواهد گرفت.

موضوع دوم هم چندان بی ارتباط با موضوع اول نیست و مربوط به «دزرژینسکی چشمان بی خواب انقلاب اکتبر- ترجمه بهروز بکتاشی» است.

برای کسی که رویداد های انقلاب اکتبر را می شناسد، فلیکس دزرژینسکی چهره ای آشنا و دوست داشتنی است ولی برای جوانان و کسانی که او را نمی شناسند ترجمه چند خطی از مراسم سالگرد او از زبان استالین و با آن جمله ها، برای نسل کنونی در نبرد با ارتجاع حاکم از «مشت آهنین» و «ترسناک ترین نام برای ضد انقلاب» و صفات این چینی، قاضی مرتضوی، قاضی حداد و یا اعلامیه های مربوط به سا لگرد اسد الله لاجوردی تداعی نمی شود؟

با سپاس و درود بر شما

راه توده: متن نامه شما را بی کم و کاست منتشر کردیم تا بدانید که ما فیلتر گذار نظرات نیستیم. به همین دلیل هم اجازه بدهید نظر و مقاله رفیق سالمندی نظیر امیرعلی لاهرودی صدر فرقه دمکرات آذربایجان که حتماً بیش از من و شما تاریخ و ملت روس را می شناسد منتشر شود. اما در باره تبلیغات دشمن و اتهام روس پرستی توده ای ها و اینکه چرا درباره دیگر کشورها نمی نویسیم.

اولاً اگر همت کنند و همت کنید و از آن کشورها هم اطلاعاتی برسانید حتماً منتشر می کنیم. اما رفیق عزیز اگر فکر کرده اید توده ای ها را به جرم روس پرستی کشته و می کشند و یا زیر ضربه می گیرند سخت اشتباه کرده اید. این بهانه نباشد بهانه دیگری را جستجو خواهند کرد. شک نکنید. ما را بدلیل نظرات، مشی، سیاست، تاریخ و خدماتمان به جامعه ایرانی می زنند و می کشند و از ادامه همین نقش هم می ترسند.

اما درباره روس ها و روسیه. شما مراجعه کنید به سالهای قبل از انقلاب روسیه. به سالهای انقلاب مشروطیت و مناسبات انقلابی ایرانی ها با روس ها تا به پیوند انقلابی ایرانی ها و روس ها بیشتر آشنا شوید. نکته مهم دیگری که حتماً باید به آن توجه کنید، نقش روسیه در سکانداری اردوگاه سوسیالیستی از فردای انقلاب اکتبر تا فروپاشی آنست. امروز هم هنوز بزرگترین توطئه ها- حتی حمله نظامی آمریکا به ایران- برای رسیدن به مرزهای روسیه و محاصره آنست. نگاه کنید به استقرار سپر موشکی در لهستان و چک. این محاصره و تدارک آینده ای خونین برای چیست؟ جز اینکه هنوز بیم از بازگشت کمونیست ها به قدرت حکومتی در روسیه اند، جز اینکه امپریالیسم هنوز از تکنولوژی عظیم اتمی و موشکی و فضائی روسیه می ترسد. فکر می کنیم اشارات رفیق لاهرودی، پیرانه سر خطابی به ما و شما باشد

تا بدانیم و بدانید در آن سرزمین که شاهد بزرگترین انقلاب- انقلاب اکتبر- بوده، این پرچم به این آسانی بر زمین نخواهد ماند و این دوران نکبت زده در روسیه هم سپری خواهد شد. اشاره به فارس ها کرده اید. بهتر است در باره ایرانی ها بنویسید. کاملاً موافقم که خلق های سرزمین ایران، دوران سخت و دشوار کنونی را هم پشت سر میگذارند. به تاریخ جنبش های اجتماعی ایران باید بازگشت و این ایمان را از آنجا استخراج و استنباط کرد. چه کسی گفته درباره عظمت ملی ایرانی ها- به شمول تمام خلق هائی که در آن زندگی می کنند- نباید نوشت؟

درباره دزرژینسکی نوشته اید. ببینید رفیق عزیز! در جمهوری اسلامی خیلی از شعارها، ایده ها و نام ها ملوث شده است، از جمله امپریالیسم، لیبرالیسم، امنیت ملی و... هر کشوری سازمان اطلاعاتی و امنیتی دارد. مهم اینست که ماهیت این سازمان ها در کشورهای مختلف چیست، روش های آن کدام است و در خدمت چه اهداف و طبقاتی قرار دارد. به صرف اینکه لاجوردی جنایت کرده و یا مرتضوی شکنجه گر است که نمی شود از خدمات انقلابی امثال دزرژینسکی چیزی ننوشت زیرا مردم ایران برایشان تداعی جنایتکاران جمهوری اسلامی می شود. اتفاقاً درباره این افراد باید دقیق تر و بیشتر نوشت تا مردم بدانند چه تفاوتی میان یک کار متفکرانه برای تامین امنیت کشور و انقلاب با یک تشکیلات آدم کشی وجود دارد. این خاص روسیه و دزرژینسکی نیست. همین اخیراً ما درباره یکی از برجسته ترین مقامات اطلاعاتی آلمان دمکراتیک در راه توده مطلبی منتشر کردیم. فردی که علیرغم همه تبلیغات دولت آلمان، دهها هزار نفر در جریان درگذشت او در گورستان سوسیالیست های برلین حاضر شدند و سنگ قبرش را غرق در گل کردند.

ما اگر تسلیم فضای کنونی در ایران و جاپاهای حکومت شویم، آنوقت نباید در باره امپریالیسم هم بنویسیم، نباید در باره جنبش رهائیبخش فلسطین هم بنویسیم، نباید درباره انقلاب هم سخن بگوئیم و نباید و نبایدهای دیگر؛ چرا که در ذهن مردم ایران اعمال جمهوری اسلامی تداعی می شود. بدین ترتیب ما از تاریخ خود محروم خواهیم شد. تاریخ انقلابی و جنبش های انقلابی کشور را در اینصورت باید به پسخانه ببریم. درباره جمهوری گیلان، درباره حکومت خودمختار آذربایجان و کردستان و درباره دهها جنبش انقلابی دیگر هم چیزی نباید بنویسیم زیرا مردم با عیار جمهوری اسلامی آنها را محک خواهند زد. اتفاقاً باید بنویسیم و تفاوت های آن را برای مردم بازگو کنیم و نشان دهیم که جمهوری اسلامی پشت این اسامی، مقولات، سازمان ها و ... چهره واقعی خویش را پنهان کرده است. امیدواریم در این مختصر، توضیحاتی داده باشیم که شما را پسند آید. درباره مقاله رفیق لاهرودی هم لابد خود ایشان نامه شما را در سایت ما خواهد خواند و توضیحی اگر لازم باشد خود ایشان خواهد نوشت.

موفق باشید

همت- با یک جهان سپاس از شما رفیق های عزیز که لینک سایت «اصالت» را در بخش لینکستان سایت وزین «راه توده» جا به جا کردید. اما وقتی روی لینک اصالت کلیک می شود، متأسفانه لینک باز نمی شود. صرفاً خواستیم که شما رفیق های عزیز را در جریان قرار دهیم. ممنون و مدیون همه شما عزیزان

راه توده: رفیق عزیز ما کنترل کردیم. اشکالی وجود نداشت و باز می شد. نمی دانیم چرا شما نمی توانید آن را باز کنید. باز هم امتحان کنید و اگر اشکالی بود به ما اطلاع بدهید.

راه توده ۱۵۱ ۰۱،۱۰،۲۰۰۷